جلوه هایی از چهره ی حضرت علی در مثنوی

قادری، سیامند

سر آغاز

حضرت علی(ع)از بزرگ‏مردان تاریخ‏ اسلام و به‏طور کلی تاریخ بشریت هستند. در این که حضرت علی(ع)و خدیجه همسر گرامی پیامبر از نظر اسلام و ایمان بر هم‏ مقدم‏اند،جای هیچ تردیدی وجود ندارد و این حقیقتی‏ست که مسلمانان جهان بر آن‏ اتفاق نظر دارند و در این مورد امام علی(ع) در نهج البلاغه خود این را فرموده‏اند.چنین‏ بیان داشته‏اند که در آغاز بعثت،اسلام در هیچ خانه‏یی راه نداشت مگر در خانه‏ی‏ رسول خدا(ص)و پیروان او فقط دو نفر،آن‏ هم امام علی(ع)و همسر گرامی نبی گرامی‏ اسلام،یعنی حضرت خدیجه(س)بودند.در این مورد ابن مسعود به عنوان اولین‏ خاطره‏یی که از اسلام یاد می‏کند،چنین‏ بیان می‏دارند که با عموهایم به مکه آمدیم. نزد عباس بن عبد المطلب رفتیم.در گوشه‏یی از مسجد الحرام نشسته بودیم، ناگهان مردی از باب صفا وارد شد و در پی او نوجوانی و بعد از او بانوی عفیفی وارد شد و بعد از آن مرد آن دو استلام حجر نموده و هفت دور طواف کردند.از عباس پرسیدم: چه خبر شده،دین جدیدی آمده است؟این‏ها چه کسانی هستند؟

در پاسخ گفت:این مرد برادرزاده‏ی من، محمد بن عبداللّه و آن زن همسر او و آن‏ نوجوان،فرزند ابوطالب است.آن‏گاه‏ ابن عباس می‏گوید:«ما علی وجه الارض‏ احدٌ یعبد اللّه بهذا الدّین الا هولاء الثلاثه». در روی زمین به غیر از این سه نفر هیچ کس‏ خداوند را با این دین عبادت نمی‏کند». (البدایه و النهایه،ج 6،ص 21)این بر همگان‏ روشن و واضح است که حضرت علی(ع)از نزدیک‏ترین کسان به حضرت محمد مصطفی(ص)بود و می‏توان گفت که:«با توجه به این که امام علی(ع)از دوران‏ کودکی تحت تربیت خاص نبی گرامی اسلام‏ (ص)قرار گرفت و با آن حضرت همراه بوده، منزلت و جایگاه ویژه‏یی نزد آن حضرت‏ داشت،طبیعی‏ست که اولین کسی باشد که‏ به دین اسلام ایمان آورد و کسی پیش از آن‏ حضرت به پیامبر و دین او گرایش نیافته‏ باشد.سبقت آن حضرت در ایمان به خدا و نمازگزاردن با نبی گرامی اسلام مورد اتفاق‏ مسلمانان است».(سیمای پیامبر اکرم در نهج البلاغه،1384،ص 223)

جلوه‏هایی از چهره‏ی‏ حضرت علی(ع)در مثنوی مولوی

در مثنوی معنوی،اثر پر ارج مولانا که‏ از مفاخرات ادب فارسی به حساب می‏آیند، در خصوص حضرت علی بیت‏هایی بسیار زیبا وجود دارد که نشان دهنده‏ی ارادت‏ خالص و بی‏آلایش مولانا به آن یار نبی‏ست.امیر المومنین،علی(ع)بعد از ختمی مرتبت،نبی اکرم اسلام(ص)،بدون‏ شک بزرگ‏ترین شخصیت شناخته‏ی شده‏ی‏ جهان اسلام به حساب می‏آید.در بحث‏ وصیّت پیامبر(ص)به حضرت علی(ع)که‏ چون هر کسی به نوع طاعتی تقرّب جوید، به حق تقرّب جوی...»،مولانا با به وجود آوردن ابیاتی گران‏بها،دل عاشقان‏ راه راستین اسلام را مجذوب کلام خود می‏گرداند.با این هدف که همگان را به‏ ارزش والای بزرگان اسلام واقف کند و چنین بیان می‏دارد.

گفت پیغمبر علی را کای علی‏ شیر حقّی پهلوانی پر دلی‏ لیک بر شیری مکن هم اعتماد اندرآ در سایه‏ی نخل امید اندرآ در سایه‏ی آن عاقلی‏ کش نداند برد از ره ناقلی‏ ...یا علی از جمله‏ی طاعت راه‏ بر گزین تو سایه بنده‏ی اله

(نیکلسون،1،ص 132)

در این ابیات غرّا می‏بینم که مولانا از زبان پیامبر،چه زیبا حضرت علی(ع)را توصیف می‏کند و مصرع«شیر حقّی پهلوانی‏ پر دلی»به چه نحوی در دل عاشقان اهل‏ بیت رخنه پیدا می‏کند.به حق که زیبا بیان‏ گردیده است.

در دفتر اول مثنوی،باز می‏بینیم که در جریان داستان«خدو انداختن خصم بر روی‏ امیر المومنین(ع)»،مولانا چه زیبا خواننده را به پندآموزی از شیوه‏ی حضرت علی(ع)،در هنگام خشم دعوت می‏کند و دوباره‏ می‏بینیم که با استفاده از شعر خود، احساسات درونی خواننده‏ی شعر خویش را برمی‏انگیزاند و او را در راه پی‏گیری شیوه‏ی‏ امام علی(ع)ثابت قدم نگه می‏دارد و با چنین بیانی می‏سراید:

از علی آموز اخلاص عمل‏ شیر حقّ را دان مطّهر از دغل‏ در غزا بر پهلوانی دست یافت‏ زود شمشیری بر آورد و شتافت‏ او خدو انداخت بر روی علی‏ افتخار هر نبیّ و هر ولیّ‏ آن خدو زد بر رخی که روی ماه‏ سجده آرد پیش او در سجده‏گاه‏ در زمان انداخت شمشیر آن علی‏ کرد او اندر غزااش کاهلی‏ گشت حیران آن مبارز زین عمل‏ وز نمودن عفو و رحمت بی محل...

...ای علی که جمله‏ی عقل و دیده‏یی‏ شمّه‏یی وا گو از آنچه دیده‏یی‏ تیغ حلمت جان ما را چاک کرد آب علمت خاک ما را پاک کرد

(نیکلسون،1،ص 163)

جریان این داستان،چنان زیبا بیان شده است که اگر همه‏ی آن را هم در این مقاله بیاورم،باز جا دارد.اشاره به اخلاص عمل حضرت‏ علی(ع)،اشاره به چهره‏ی منوّرتر از ماه او که خورشیدآسا بر همه‏ی‏ عالم می‏تابد.اشاره به عقل سرشار آن بزرگوار،همه و همه،وسایل و ابزار شاعر گران مایه،مولانا می‏باشد که در لفظ خود بیان داشته است‏ و ما را متوجه بزرگواری‏های آن امیر مومنان می‏کند.

گفت من تیغ از پی حقّ می‏زنم‏ بنده‏ی حقّم نه مأمور تنم‏ شیر حقّم نیستم شیر هوا فعل من بر دین من باشد گواه

(نیکلسون،1،ص 166)

در پایان دفتر اول،دوباره جریان داستان را با توضیحاتی دیگر از حضرت علی(ع)به پایان می‏رساند.

یا تبر برگیر و مردانه بزن‏ تو علی‏وار این در خیبر بکن‏ یا به گلن وصل کن این خار را وصل کن با نار نور یار را

(نیکلسون،2،ص 228)

در دفتر دوم مثنوی،مولانا از شیوه‏ی رفتار حضرت علی(ع) الهام می‏جوید و برای رهایی از خودی بد خود دو را را پیشنهاد می‏کند و می‏گوید:«یا چنان‏که مولا علی(ع)در سال هفتم هجری،در قلعه‏یی خیبر را کند و آن قلعه را از یهود گرفت،باید قلعه‏ی تن و علائق مادی را گرفت و خوی بد را از درون خود راند،یا باید دست به‏ دامن مرشدی زد تا خار وجود از اتصال به گلبن هدایت او گل شود.نور یار نیز هدایت مرشد است که نار خوی بدر را می‏کشد و خاموش‏ می‏شود».(استعلامی،ج 2،ص 238)و پند می‏دهد که اگر خودت خاری‏ و نمی‏توانی دست از خار بودن خودت برداری،لا اقلّ از خار بودن برای‏ دیگران دست بردار و خار بودن را از ریشه بکن و مانند حضرت علی(ع) به گل نبی اکرم تبدیل شو.

در دفتر سوم در«قصه‏ی دقوقی»،در خصوص تشبیه حضرت‏ علی(ع)به شیر که علی را شیر خدا نامیده‏اند.می‏توان چنین بیان‏ داشت که در واقع حضرت علی(ع)چه شباهتی به شیر دارد؟در ظاهر، صورت و پیکر آنها مانند یک دیگر نیست.او را بالاتر از شیر توصیف‏ کرده است و او را در مبارزه با هوای نفس در دفتر اول که در بالا ذکر شده،شیر حقّ گفته است که تعبیری دیگری است از لقب«اسد اللّه»و مولانا،حضرت علی(ع)را در مبارزه با هوای نفس چون شیر دلیر و نیرومند می‏داند و در سایر موارد،بالاتر از شیر می‏داند.

غرّه کن شیر ورا ای شیر حقّ‏ تا رود آن غرّه بر هفتم طبق

چه خبر جان ملول سیر را کی شناسد موش غرّه‏ی شیر را

(نیکلسون،4،ص 696)

درست است که در این دو بیت،مورد خطاب حسام الدّین‏ چلبی‏ست،که ناشایستگی و هدایت ناپذیری بعضی از مریدان که‏ جایگاه و تأثیر روحانی وی را درک نمی‏کنند،ولی با کمی تأمّل می‏توان‏ دریافت که هدف اصلی مولانا،با تعریضی زیبا،حضرت علی(ع)بوده‏ است که غرّش صدای او تا آن سوی افلاک می‏رود و همه را ارشاد می‏کند،تأثیر این صدای هم‏چو شیر را در دل کفّار،بیان می‏نماید.

در خصوص توصیف توانایی‏های حضرت علی(ع)و همراهی‏ ذوالفقار،آن شمشیر خون کفّارریز،کتاب‏ها و مطلب‏ها نگاشته شده‏ است و این که تنها در دستان حضرت علی،توانایی خود را نشان می‏داد و تنها بازوان آن بزرگوار توانایی برداشتن آن را داشت و کسی پر دل و جرأت همانند آن یار نبی اکرم(ص)می‏توانست با ذوالفقار به میدان‏ نبرد برود.

چون‏که مردی نیست خنجرها چه سود چون نباشد دل ندارد سود خود از علی میراث داری ذوالفقار بازوی شیر خدا هستت بیار گر دلیلت هست اندر فعل آر تیغ چوبین را بدان کن ذوالفقار

(نیکلسون،5،ص 838)

در اواخر دفتر ششم،مولانا تفسیر این خبر را که حضرت‏ مصطفی(ص)فرمود:من کنت مولاه فعلی مولاه،با ابیاتی زیبا بیان‏ می‏دارد و درس آزادی و آزادگی را با این دلیل به همگان می‏آمورزد و چنین می‏آورد:

زین سبب پیغمبر با اجتهاد نام خود و آن علی مولا نهاد گفت هر کو را منم مولا و دوست‏ ابن عم من علی مولای اوست‏ کیست مولا آن که آزادت کند بند رَقّیَت ز پایت بر کَنَد چون به آزادی نبوّت هادی است‏ مومنان را ز انبیا آزادی‏ست

(نیکلسون،5،ص 1115)

منابع

1-ابن کثیر،اسماعیل،البدایه و النهایه،ج 6،ناشر دار المعرفه،بیروت،چاپ اول، 1396 هـ.ق. 2-زهادت،عبد المجید،سیمای پیامبر اکرم در نهج البلاغه،ناشر موسسه‏ی‏ بوستان کتاب قلم،چاپ اول،قم،1384. 3-مولوی،جلال الدین محمد،مثنوی معنوی،تصحیح رینولد الین نیکلسون، انتشارات بهزاد،تهران،چاپ سوم،1371. 4-همان،شرح مثنوی،تصحیح،تحلیل و توضیح،محمد استعلامی،ج 2، انتشارات زوّار،تهران،چاپ دوم،1372.